

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

مردم ایران خواهان پایان دادن به جنگ خانمان برآورد از ایران و عراق اند

مردم مینهن ما قربانی جنگ خانمان برآوردی هستید ، که د ولت مردان ج ۱۰ با ساجت بدان ادامه میدهند . نه شمار سرسام آور کشته ها و مجروحین و معلولین ، که بد صد ها هزار نفر بالغ می شود و نسل جوان ایران را تهدید می کند ، نه وجود د و میلیون نفر آواره جنگی ، نه اختصاص صد ها میلیارد ریال از بود د کشور برای خرید تجهیزات نظامی ، که سود آن به گاو صند و قهای سوداگران مرگ ، انحصارهای اسلحه سازی غرب سرازیر می شود ، مانع از آن نیست ، تا حکام جمهوری اسلامی همچنان جنگ را یک وظیفه شرعی اعلام نکنند .

ادامه جنگ که کوهی از مصائب ، فلاتک ها و ویرانی ها به بار آورده ، سیاست ترور و اختناق را در کشور شدید می بخشد . هزینه های عظیم نظامی از سوئی و جذب بخش قابل توجهی از نیروی فعال جامعه به ارتش و سپاه و بسیج و غیره از سوی دیگر ، ضربات مهلکی بر پیکر اقتصاد کشور وارد می آورد . صنایع با ۴۰ تا ۵۰ درصد ظرفیت کار می کنند . تعداد بیکساران روز به روز افزایش می یابد . تسولیسند کشاورزی در آستانه ی بیه درمنه ا

نامه مردم

از گان مرکزی حزب توده ایران

دوره هشتم - سال اول - شماره ۱
پنجشنبه ۱۷ خرداد ۱۳۶۲
بها ۲۰ ریال

جبهه متحد خلق ، ضرورت همبستگی جنبش انقلابی ایران

استثمارگران داخلی و حامیان بین المللی آنها را نخواهد بود .

فرجام و سرنشست نبرد طبقاتی که اکنون در کشور ما جریان دارد مشروط به عوامل متعددی است که یکی از مهمترین آنها وحدت سازمانها گروهها و نیروهای ملی ، مترقی ، د مکراتیک و ضد امپریالیستی است . مبارزه توده های میلیونی علیه ارتجاع داخلی و امپریالیسم تهنادر موتی با موفقیت همراه خواهد بود که نیروهای سیاسی و سازمانهای انقلابی امر وحدت و یکپارچگی صفوف خلق را تامین و با برنامه و وحدت عمل مشترک وظیفه و رسالت خطیر تشکیل توده ها و رهبری جنبش را با موفقیت به انجام رسانند . در صورتیکه احزاب ، سازمانها و نیروهای انقلابی د مکراتیک و ضد امپریالیستی موفق به یافتن زبان مشترک و هدایت درست ، اصولی و منطقی مبارزه توده ها نشوند تردیدی نیست که سران مرتجع حاکمیت جمهوری اسلامی ، سرآیداران و امهر - بقیه در صفحه ۵

جامعه انقلابی ایران یکی از حساستریسن پیچیده ترین و دشوارترین مراحل تاریخی خود را از سر میگذراند . احیاء مواضع بزرگ مالکان و کلابن سرمایه داران وابسته به امپریالیسم ، فقر و تنگدستی و تیره روزی زحمتکشان ، تشدید استثمار و اجحاف اجتماعی ، چپاول و غارت بی بند و باری استثمارگران داخلی و تاراج انحصارات امپریالیستی ، انحطاط فرهنگی ، لگد مال ساختن تمام مظاهر آزاد بیهای سیاسی ، ایجاد جو رعب و وحشت ، دستگیری زندان ، شکنجه و نابودی دگر اندیشان و سایر نیروهای انقلابی و ادامه جنگ خانمانسوز ، منظره رفت بار و تاسف انگیز کشور در مرحله کنونی است که بازتاب خیانت سران مرتجع جمهوری اسلامی به اهداف انقلاب شکوهمند مردمی و ضد امپریالیستی ۲۲ بهمن می باشد .

امپریالیسم جهانی به سرکردگی امپریالیسم جنایتکار آمریکا تمام تلاش بهیمی خود را بیکار بسته تا بکثت هدف ستان داخلی و محافظت از ارتجاعی حاکمیت جمهوری اسلامی روند بساز گردانند ایران به وابستگی کامل اقتصادی اجتماعی ، سیاسی ، نظامی و فرهنگی را بیابان برساند و د بگر بار همچون دهه های سیسسه گذشته حاکمیت مطلق سرمایه داران و زمینداران چپاولگر وابسته به امپریالیسم را بر سرنشوست زحمتکشان زجر د بده و بلا کشید ه مین مسا برقرار ساخته و ایران را به حلقه ای از زنجیر سیاست عمومی و جهانی امپریالیسم بدل سازد . تلاش و توطئه امپریالیسم ، طبقات استثمارگر و سران مرتجع حاکمیت جمهوری اسلامی بسرای شکست انقلاب و خاموش ساختن مبارزات توده های میلیونی مردم ، تنها یک جنبه از رویداد های جامعه ما است . جانب د بگر موضوع ، فساد و توده های میلیونی ایران برای جلوگیری از تسلط دوباره طبقات استثمارگر و امپریالیسم بر سر نوشت کشور است . خلق ایران در جریان تجارت متعدد زنده و ملموس ، چه سره کریه و سرشت پلید دشمنان داخلی و خارجی خود را شناخته و اجازه بر فراری تسلط اهریمنی مرتجعین ،

سخنی با خوانندگان

"نامه مردم" دوره هشتم خود را در شرایطی آغاز می کند ، که آزادی بیان و قلم ، اجتماعات و احزاب ، سندیکا ها و اتحادیه های صنفی و غیره لگد مال شده ، زندان و شکنجه و اعدام و قتل مینهن د و ستان و مدافعان توده های محروم ، که طی سالیان دراز ستم شاهی بار سنگین مبارزه علیه استبداد و ارتجاع و امپریالیسم را بدوش می کشیدند ، بسطح سیاست مستمر دولتی ارتقاء یافته است .

تاریخ "مردم" تاریخ مبارزه در راه دفاع از منافع طبقه کارگر و همه زحمتکشان ایران ، تاریخ نبرد بی امان علیه استعمار و امپریالیسم ، تاریخ رزم بی گیر در راه شکل نیروهای ضد امپریالیستی و مبارزان استقلال ، آزادی ، عدالت اجتماعی و صلح است .

از انتشار نخستین شماره های "مردم" حدود ۴۲ سال میگذرد . در این فاصله زمانی "مردم" فراز و نشیب های فراوانی را پشت سر گذارده است . در سالهای نخست انتشار "مردم" بهتابه زبان حق گوئی مبارزان ضد فاشیست نقش مهم روشنگری را در جامعه ایفاء کرده سپس "مردم" ارگان مرکزی حزب توده ایران شد و وظیفه بسیار سنگین سیاسی - سازمانی را بعهده گرفت .

متأسفانه دوره انتشار "مردم" در شرایط علنی کوتاه بود . رژیم ضد ملی و ضد د مکراتیک شاه ، که زمینه را برای تبدیل ایران به جولانگاه امپریالیسم آمریکا تهیه میدید با زدن پرچم های سیاست "جاسوسی" ، "خرابکاری" و "قیام علیه سلطنت حزب مارا" منحل "مردم" اعلام و از انتشار علنی "مردم" جلوگیری کرد . ولی "مردم" از مردم جدا نشد و در سختترین شرایط ترور و اختناق به افشاء امپریالیسم و اعمال آن و تقویت جبهه ضد امپریالیستی و ضد استبدادی پرداخت . "مردم" مخفی شد ، ولی علیه رزم کوشش دشمنان هیچگاه از مردم پنهان نماند . "مردم" دوره ششم در نبرد در راه منافع طبقه کارگر با پیگیری و استواری در سنگر ایدئولوژیک اصیل مارکسیستی - لنینستی ایستاد و با انبساط بقیه در صفحه ۲

ریشه و جنگل

من ، شاخه ای ز جنگل خلفم .
از ضربیه تیر
بر پیکر سلاله من باد گاره است .
با من مگو سخن ز شکستن !
هرگز شکستی به بر منا شکفت نیست
بر ما ، عجب شکفتی اندر بهار است .
صد بار اگر به خاک کشندم
صد بار اگر که استخوان شکندم
گناه نیساز بساز
آن همیشه ام که شعله برانگیزد
آن ریشه ام که جنگل از آن خیزد .

سیاوش کسرائی
آبانماه ۱۳۶۲

پایدار باد همبستگی جهانی بازندان ایران توده ای!

سخننوی با ...

انحراف ها و کج اندیشی ها مقابله کرد .
 شماره اول دوره هشتم "نامه مردم" ۲۳ اسفند ماه ۱۳۵۷ پس از پیروزی انقلاب شکوهمند مردم ایران انتشار یافته در نخستین سرمقاله دوره علی "نامه مردم" گفته شد: "مردم" ارگان مرکزی حزب توده ایران است . دست و دست من در نما میداند که منی سیاسی این روزنامه چیست و لذا نیازی به معرفی مفصل برنامه و روش خود نداریم . حزب ما حزب طبقه کارگر ایران است و "مردم" وظیفه دارد که در راه دفاع از حقوق طبقه کارگر و همه توده های ستکش جامعه در راه بیداری و سازماندهی و بسیج نیروی زحمتکشان علیه امپریالیسم و ارتجاع و ایجاد جامعه های عادلانه بزرگد ما مبارزه برای حقوق زحمتکشان را تنها و تنها در چارچوب مبارزات ضد امپریالیستی و دمکراتیک می بینیم و لذا در شرایط نوین سمت اصلی حرکت ما تلاش برای ایجاد و تحکیم اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و ضد ارتجاعی است . ما میدانیم که در این راه دشوار بهای فراوانی وجود دارد

آری ، ما دشواریها را درک می کردیم و می دانستیم که دشمنان سوگند خورده زحمتکشان از پای نخواهند نشست و به انواع توطئه ها علیه اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و ارتجاعی ، علیه حزب ما و ارگان مرکزی دست خواهند زد . ما از گین حیوانی ارتجاع و عمال امپریالیسم به حزب توده ایران با خبر بودیم و میدانستیم که "سیا" و "اینلیجنس سرویس" مانند گذشته به کمک عوامل محلی خود دوباره به شیوه های سحیف و مطرود برجسته زنی متوسل خواهند شد . تعدادی نیست که دوره انتشار علی "نامه مردم" این بار نیز بطول نینجامد . سرکوبگران رژیم ج ۱۰ نخست "نامه مردم" را توقیف و سپس انتشار آنها ممنوع کردند . "نامه مردم" بدست آتانی ذبح شمری شد ، که از پخشش حقایق مربوط به ایران و جهان بیم داشتند و ایل نبودند خائنین به انقلاب و آرمانهای ولای آن به توده های زحمتکش شناسانده شوند .
 انتشار "نامه مردم" را ممنوع کردند ، زیرا با سابقه ترین نشریه زحمتکشان در تاریخ ایران ، مقام ویژه ای در زندگی سیاسی کشور داشت و بحق اعتماد و علاقه های مایهونی محرومان جامعه را جلب کرده بود . "گناه" نابخشودنی "مردم" آن است که همیشه حقیقت را با مردم در میان میگذاشت . به همین سبب دارکشان "مردم" را روانه گراموشخانه ها میبندند ، زیر شکنجه های وحشیانه به قتل می رسانند . ولی این مار هم قادر نخواهند بود "مردم" را از مردم جدا سازند .
 "نامه مردم" با انتشار نخستین شماره از

دوره هشتم خود هرچم خونین مبارزه را همچنان افزایش نگاه خواهد داشت . "نامه مردم" ارگان مرکزی حزب توده ایران دفاع از طبقه کارگر و همه محرومان جامعه و اتحاد کلاس های ستم رسی و مطالبات اجتماعی ، اقتصادی ، سیاسی و فرهنگی

آنان ، نبرد پیگیر در راه استقلال ، آزادی ، عدالت اجتماعی و اتحاد نیروهای ضد امپریالیستی و دمکراتیک ، مبارزه هرگونه ترور و اختناق و کوشش در راه تأمین آزادی های دمکراتیک ، پایان دادن به جنگ ایران و عراق ، جنگ براد رکشی در کردستان و برسمیت شناختن حقوق ملی خلق ها ، حمایت از کده مجاهدات و مساعی سازمان های مترقی اهوزیسون ، تعرض اید نولوزیک و سمیع به منظور عقب ساختن تبلیغات سرو گروه های ضد توده ای و ضد کمونیستی ، افشاء سیاست ترور و ترور امپریالیسم بسرکردگی امپریالیسم آمریکا و توضیح سیاست صلح طلبانه کشورهای سوسیالیستی و پیشاپیش آنان اتحاد شوروی ، نبرد در راه صلح و همزیستی صلح آمیز و بالاخره پشتیبانی همه جانبه از جنبش های رهایی بخش ملسی را وظیفه عده خود در مرحله کنونی مبارزه می شمارد "نامه مردم" بعنوان ارگان مرکزی حزب ، آئینه تمام نمای سیاست ، موضع گیری ها ، خط منی ها ، تصمیمات و اقدامات حزب توده ایران

است . "مردم" با تمام قوا خواهد کوشید که در شرایط بسیار دشوار کنونی ، برای تحقق میاست اصولی حزب ، که بر پایه جهان بینی انقلابی طبقه کارگر ، یعنی مارکسیسم - لنینیسم استوار است و به انترناسیونالیسم پرولتاری متکی است ، یکپوشد و از هرگونه تشکیک و نوسان در اید نولوزی و عمل جلوگیری کند .
 بنیبنی سیاست که "نامه مردم" راهنما و همشاهنگ تمام نشیهای است که در داخل و خارج کشور ، از طرف سازمانهای گوناگون حزبی منتشر میشوند و تبعیت کامل از خط منی "مردم" است ، تنها وظیفه این نشریات است ، بلکه برای روشند بازسازی حزب ، که در شرایط ترور و اختناق بی سابقه ای انجام میشود ، یک امر حیاتی است .
 کمیته مرکزی حزب توده ایران اطمینان کامل دارد که این نکته مهم مورد توجه و عمل تمام اعضا حزب توده ایران در هر جا و هر مقام کسه هستند ، قرار خواهد گرفت .

اعلامیه کمیته مرکزی حزب توده ایران

میکنند . هدف استوار پی آمدهای مخرب تجاوز اسرائیل به لبنان ، تهدید استقلال سوریه و انحراف اذ هان عمومی در ایران و عراق از دشمن مشترک ، امپریالیسم و صهیونیسم است .
 تمرکز ناوگان هفتم آمریکا و ناوگان جنگی انگلستان و فرانسه در اقیانوس هند و دهانه تنگه هرمز و اعلام خلیج فارس بعنوان منطقه "منافع حیاتی" ایالات متحده و کوشش بسزای جلب کشورهای عربی خلیج فارس به "فرماندهی مرکزی" ، که بیش از ۱۹ کشور را تحت پوشش نیروهای "اقدام سریع" قرار میدهد ، همین مارا با خطر جدی مواجه ساخته است . با حملات موشکی به نفتکش ها ، که رسانه های گروهی غرب سر و صدای زیادی پیرامون آن برآه اند ، تهدید امکان چرخش جدید در جنگ ایران و عراق بوجود آمده ، که واشنگتن خواهان آن است .
 توسعه جنگ ، حضور نظامی فعالتر امپریالیسم آمریکا ، این دشمن اصلی خلقهای تحت ستم را در این منطقه مهم استراتژیک و نفت خیز فراهم می آورد .
 به نوشته مطبوعات غرب ، سناریوی دخالت نظامی ایالات متحده در خلیج فارس به بهانه دعوت کشورهای منطقه از هتتها پیرامون مسأله شده است . روزنامه ریگان در مشاهده مطبوعاتی اخیر خود به وجود نقشه عملیات فوق العاده اعتراف کرد و گفت که ایالات متحده در قبسال بسته شدن تنگه هرمز و یا تهدید کشتیرانی در خلیج فارس ساکت نخواهد نشست .
 تهدید جنگ و توسعه دامنه آن بدیگسر کشورهای منطقه با استراتژی واشنگتن بسزای تبدیل خاور میانه به عرصه اجرای طرحهای تجاوز گرانه علیه صلح و امنیت جهانی و نهضت های رهایی بخش ملی انطباق کامل دارد .
 بقیه در صفحه ۵

ورزشکستی کامل قرار دارد . واردات حملولات کشاورزی سرسام آور روه افزایش است . فقیر گسترده میلیونها روستایی را به مهاجرت بسنه شهرها مجبور می کند . نرخ تورم در سال گذشته به رقم ۴۰ درصد رسید .
 سردمداران رژیم با طرح شعارهایی چون "جنگ ، جنگ ، تا پیروزی" ، "جنگ عامل تغییر ساخت اقتصادی" و "تا تنور جنگ را باید گرم نگه داشت" ادامه جنگ را در گستره بیسابقه ای تبلیغ می کنند .
 به جنگ ادامه میدهند تا معضلات عظیم اجتماعی و اقتصادی ، احتکار و گرانی ، کمبود ما محتاج زندگی ، بید از زائد وزن و مولد بسن فقر و شروت را سرپوش گذارند . ادامه جنگ را تبلیغ میکنند تا احزاب و سازمانهای انقلابی و ضد امپریالیستی ، مدافعان راستین زحمتکشان را سرکوب و عرصه را برای یکه تازی ارتجاع و عمال امپریالیسم خالی کنند . و بالاخره تنور جنگ را گرم نگه میدارند تا زرد و بند پشت پرده با امپریالیسم جهانی بسرکردگی امپریالیسم آمریکا از انظار پنهان بماند .
 تردیدی نیست که ادامه جنگ به نفع امپریالیسم و به ضرر هر دو کشور همسایه در حال جنگ است . جنگ بیپایه های انقاصی بسنه امپریالیسم آمریکا برای تقویت موضع خود در منطقه میدهد . نباید از نظر دور داشت که استراتژی فشار نظامی - سیاسی امپریالیسم امریز نیز مانند گذشته وسیله ای برای تأثیر در روند تکامل اجتماعی - اقتصادی و سیاسی کشورهای منطقه بشمار میرود .
 هدف امپریالیسم از شعله ور ساختن آتش جنگ ایجاد کانونهای تشنج و درگیری در منطقه بقصد تشدید اختلاف میان خلقهای خاور میانه و نزدیک است ، که علیه سیادت امپریالیسم مبارزه

مبارزه برای حفظ صلح و امنیت بین المللی و دفع خطر فاجعه جنگ هسته ای مهمترین وظیفه

همه بشردوستان در شرایط کنونی است

اما سیاست جنگ افروزانه و تهدید و شانتاژ علیه کشورهای سوسیالیستی و کشورهای مستقل و خلقهای آزادی دوست در همین حال نشسان میدهد که امپریالیسم بی برده است که در شرایط صلح و زندگی سالم امتز بین المللی دیگر قادر به حفظ منافع غارتگرانه خود نیست و میخواهد با جنگ افروزی و پیشدستی در کاربرد جنگ افروز-های هسته ای برای مدتی دیگر ادامه حسیات نظام میرنده سرمایه داری را میسر کند .

بدین ترتیب مبارزه در راه صلح و دفع خطر فاجعه جنگ هسته ای اینک اهمیت بیاعنی کسب می کند : هم حفظ جامعه و تمدن انسانی و شاید سیاره زمین از خطر نابودی تمام موجودات زنده و هم تضعیف بیش از پیش امپریالیسم و تضمین آزادی و استقلال خلقها و پیشرفت اجتماعن امپریالیسم نشان داده است که در شرایط صلح و آرامش بین المللی تار و پود نظامش از همس گسیخته میشود .

امپریالیسم آمریکا برای پیشبرد سیاست جنگ افروزانه خود و جنگ اندازی به نقاط مختلف جهان نیاز به کانونهای جنگ و تشنج دارد . اگر این کانونها وجود داشته باشند از آنها استفاده می کند و کرته خود آنها را می آفریند . برای هدم جنبانداران اسرائیل به خاک لبنان هیچ گونه توجه منطقی وجود نداشت ولی اسرائیل اس تجاوز وحشیانه را به اشاره ارباب انجام داد تا پای " متحد استراتژیکی " خود را بعنوان " تکمیل صلح " به لبنان باز کند ، و اینک در خلیج فارس هم انواع تحریکات انجام میگردد تا جای پای نیرو-های صلح آمریکائی در منطقه هر چه محکمتر شود مردم سراسر جهان و از جمله خلقهای ایران و عراق همه صلح می خواهند . صلح شرافتدانه و عادلانه هیچگاه بران حللها نیست . تنها امپریالیسم و رژیم های میرنده تاریخی هستند که ادامه حیاتشان تنها در سایه جنگ و خونریزی دائمی امکان پذیر است .

یالیسم آمریکا علیه خلق لبنان ، خلق فلسطین و دیگر خلقهای عرب با کمک متسجد " استراتژیکی " اسرائیل همچنان ادامه دارد . در جنوب آفریقا رژیم نژاد پرست پرتوریا ، با اشاره و پشتیبانی امپریالیسم بین المللی علیه کشورهای همسایه خود دست به ترور و تجاوزات خونین میزند و از شناسائی استقلال نامیبیا ، کشوری که بطور غیر قانونی اشغال کرده است بیبانه های گوناگون طفره میبرد . از خاک پاکستان ، جنگه ، اعلام نشده آمریکا علیه افغانستان و توطئه های مسلمانان علیه هند وستان سازمان داده میشود . باند های " پلپت " ، این جلاد مردم کامبوچیا ، در تایلند که زیر حمایت امپریالیسم آمریکاست تجهیز و برای انجام اعمال تروریستی به سرزمین کامبوچیا اعزام میشوند .

آخرین نمونه بی اعتنائی امپریالیسم آمریکا به استقلال و حق حاکمیت دیگر کشورها در خلیج فارس مشاهده می کنیم که بیبانه " حفظ آزادی کشتیرانی " که البته خود در مورد نیکاراگوسه ثابت کرد پایبند آن نیست ، خلیج فارس را بصورت حوزه های در داخل خاک خود در آورده است .

در آن نقاط درگیر جنگ هم که بظاهرسر امپریالیسم آمریکا دخالت مستقیم نظامی ندارد ، استقرار توسط متحدان ناخوشی و یا دولت های دست نشاندۀ خود انجام میدهد . نمونه های زیاد ، صحرای غربی و غیره نقاطی است که در همه آنها انگشت امپریالیسم آمریکا را در حوادث میتوان دید .

ولی همانطور که گفته شد ، عمده تدارک امپریالیسم آمریکا علیه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی است که با سیاست انترناسیونالیستی خود مانع از تحقق نقشه های شوم استعماری امپریالیسم علیه کشوره ای مستقل و پیشروهای رهائی بخش ملی میشود . گسترش بیسابقه جنون تسلیم دانی در ایالات متحدۀ آمریکا استقرار موشک های کروزر و پرتوشنگ - ۲ در اروپای غربی ، تولید هر چه پیشتر موشک های استراتژیکی ام - ۵۱ ، برداشتن نامهای شتابان در راستای استقرار جنگ افزارهای هسته ای و هم چنین اتحاد سیستم های دفاع ضد موشکی در قسای شهابی و بالاخره برنامه های مربوط به مدرنیزه کردن وسیع جنگ افزارهای هسته ای در کشورهای عضو ناتو و ژاپن همه و همه با هدف زیر تدارک داشتن کشورهای سوسیالیستی و مبارز گرداندن چهره تاریخ به دوران سلطه بر وجهت استعمار و امپریالیسم در سراسر جهان انجام میگردد .

امپریالیسم آمریکا آشکارا کام در راه تدارک پیشدستی در کاربرد سلاحهای هسته ای گذاشته است و در عین حال میکوشد از راه کسب برتری نظامی علیه اتحاد شوروی ، دست به شانتاژ و نظامی بزند و امتیازات یکجانبه ای کسب کند . البته آنچه که امپریالیسم آمریکا در مرحله اول آنرا تحقق پذیرتر می بیند برقرار کردن سلطه بطلق استعماری خود در کشورهای " جهان سوم " و تبدیل آنها به مستعمره و نیمه مستعمره از طریق فشارهای نظامی و ایجاد وابستگیهای اقتصادی و سیاسی است . ولی تحقق اینکار تا وقتی که این کشورها میتوانند به جامعه کشور-های سوسیالیستی و پیشاپیش آنها اتحاد شوروی تکیه داشته باشند امکان پذیر نیست . از این-روست که هجوم همه جانبه امپریالیسم آمریکا در سراسر جهان علیه جنبش های رهائی بخش ملی و کشورهای مستقل با اعلام جنگ صلیبی و تدارک جنگ هسته ای علیه اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی بعوارات هم انجام میگردد .

شایان توجه است که امپریالیسم آمریکا این بار هم برای ترجیه سیاست نظامی گریانه خود متوسل به افسانه " خطر شوروی " شده است . ولی این افسانه کهنه شده دیگر قادر به فریب هیچکس نیست . زیرا از یکسو مردم همه کشورهای میدانند که اتحاد شوروی هیچگاه به هیچ کشوری تجاوز نکرده و نمونه ای وجود ندارد که امنیت همسایگان خود را هر چند هم که سیاست دشمنانه نسبت به او داشته اند بخاطر انداخته و یا بروی کشوری که به اتحاد شوروی تجاوز نکرده است شمشیر کشیده باشند . و از سوی دیگر امپریالیسم آمریکا در دست عکس آنرا نشان داده است . اگر تجاوزهای نظامی ایالات متحدۀ آمریکا را به کشورهای همسایه و غیره همسایه خود در گذشته نه چند ان دور کنار بگذاریم و روند اد های چند سال اخیر را در نظر بگیریم بار هم دلائل کافی برای اثبات مدعا بدست می آید .

تجاوز بیشرمانه و تحریک نشده و بی دلیل به جزیره کوچک گرنادا و لگد مال کردن آزادی و استقلال مردم این کشور شاید روشنترین نمونه برای نشان دادن چهره واقعی سیاست تجاوزوی کنونی دولت آمریکا باشد . ولی کدام نقطه دنیا را میتوان یافت که امپریالیسم آمریکا آنرا منطفه " منافع حیاتی " خود اعلام نکرده و علیه خلقهای ساکن آن به توطئه و تجاوز مشغول نباشد ؟

در آمریکای مرکزی شاید تحریکات روز افزون علیه کوبا و جنگ اعلام نشده علیه بناراگوئه و جنبش منرق استقلال طلبانه مردم السالوادور هشتم ، در خاور صانه و نزدیک جنابامت امیر-

"حرب نوده ایران نخستین حزب سیاسی بود که با برنامه دمی منقلب با شرایط اجتماعی - اقتصادی کشور و در راه دفاع از منافع کارگران دهقانان و سایر زحمتکشان در عرصه سیاسی ظاهر شد . سر بقای حزب نوده ایران غیرمم صریح است . جنگی که بر آن وارد گردید ، سد و در حد ایست بی نظیر جهان بینی آن در دفاع پدگمر از منافع کارگران ، دهقانان و دیگر سرحمتکشان و در راستواری مبارزه آن علیه سلطه-گری امپریالیسم بر میس ماست ."

از اسناد پنجم هیئت هم تشنه مرژی حزب نوده ایران

به جنگ خانمان سوز با عراق پایان دهید!

نقش طبقه کارگر در جنبش رهاشی بخش

راه رسید اجتماعی-اقتصادی ایران و در پیوند با آن نقش طبقه کارگر یکی از مسائل مورد بحث در سالهای اخیر می باشد. در این مورد نظرات گوناگونی ارائه می شود. بطور عیب شده میتوان از د و جریان نام برد. نخست آنان که رشد سرمایه داری در ایران را منکرند و معتقدند گویا جامعه ما هنوز در دوران "تولید باقیبیل سرمایه داری" قرار دارد. گروه دیگر و از آن

جمله حکام مرتجع ج ۱۰ اصولاً منکر وجود طبقات در جامعه اند و عملاً تزارتجسالیسی "هنرستی طبقاتی" را در کسوت احکام شرع و یا به اشکال دیگر تبلیغ می کنند. و اما مبلغین هردو جریان هدف واحدی را تعقیب می کنند، که مبارست از نفی نقش طبقه کارگر در نهضت رهاشی بخش و مآلاً طرد ضرورت وجودی حزب طبقه کارگر در کشور.

در استاد و د اداک بلنیم هیچ هم کیتنه مرکزی حزب توده ایران گفته می شود: "بسیا پیروزی انقلاب حل مسائل بس مهم و حیاتی اجتماعی، اقتصادی و سیاسی در دستور روز قرار گرفت. سیر انقلاب نشان داد که توده های میلیونی زحمتکشان فقط برای تغییر روستایی سیاسی مبارزه نکرده اند، بلکه خواستار دگرگونی بنیادی زیر بنا هم بودند."

حقایق تاریخی گویای آنستکه کارگران صنعتی ایران در پیشاپیش توده های میلیونی گام بر می داشتند و برغم دشمنان زحمتکشان، این طبقه کارگر بود که با هشیاری و آگاهی و فداکاری بیسابقه در تاریخ معاصر ملل ستودیده منطقه نقش تعیین کننده در پیروزی انقلاب ایفا کرد.

رویداد های خونین ۱۷ شهریور ماه نشان داد که رژیم با حمایت امپریالیسم در صدد بخون کشیدن نهضت است. توان اقتدار روشنگری و دانشگانی و مساجد، با همه ازجان گذشتگی برای در هم شکستن سد ارتجاع کافسی بنظر نمی رسید. در این شرایط عامل موثر ترس برای مقابله فاطح با رژیم ضرورت داشت، چنین نیروی فقط با شرکت فعال و گسترده طبقه کارگر می توانست تا مین گردد.

این طبقه کارگر ایران بود که در سرنوشت سازترین لحظات نهضت، گام در عرصه نبرد گذارد و از صلاح شناخته شده پرولتاریا - اعتصاب همگانی - در روبرویی با رژیم ضد ملی به مقیاس وسیع استفاده کرد. طبقه کارگر، بویژه پرولتاریای صنعتی بهانه سرسخت ترین و بیکبرترین مبارز ضد سلطنت، ضد امپریالیسم و نواستعمار، هسته مرکزی نیروهای محرک جنبش انقلابی خلق را تشکیل داد.

نبرد کارگران ابتدا با اعتصابات اقتصادی که از ۱۳ شهریور ۵۷ آغاز و تا اوائل آبانماه همانسال ادامه داشت، آغاز شد و توانست اقتصاد دولت را فلج کند. در ماههای بعد کارگران اعتصابات اقتصادی را به اعتصابات

سیاسی فرارویاند و با اعتصاب تاریخی کارگران نفت که بمعنای قطع شریان حیاتی رژیم بسود، عملاً امکان هرگونه مقاومت را از رژیم سلب کردند. د و روز پس از گذشتار ۱۷ شهریور، یعنی ۱۹ شهریورماه ۱۳۵۷ اعتصاب کارگران پالایشگاه نفت آغاز و بزودی موج آن به مناطق نفت خیز گسترش یافت. ۱۵ مهرمه کارگران نفت ایسران طی اعلامیه ای افزون بر خواسته های صنفی و رفاهی که قبلاً در ۲۵ ماده منتشر ساخته بودند،

خواسته های سیاسی خود را مطرح کردند. مجبوره نبرد مردم ایران در آن ایام سر - نوشت ساز، نبردی حماسه آفرین بود. ولیسی جنبش اعتصابی پرولتاریا، از کارگران نفت گرفته تا ماشین سازان و تراکتورسازان تبریز و کارکنان راه آهن سراسر ایران، از فلزکاران و نساجان اصفهان تا معدنچیان زیرآب و شاهی و سوز - چشه، از کارگران سازمان آب و برق تا کارگران بنادر و چاپخانه ها توانست ضربه ای مهلک بر رژیم ضد ملی وارد آورد.

۹ آبانماه جریان ضد و نفی که یگانه منبج مالی موجودیت رژیم شاه بود، قطع شد و ۳۰ هزار نفتگر ایرانی یکپارچه در اعتصاب همگانی شرکت جستند. در بیانیه کمیته روابط کارکنان اعتصابی صنعت نفت که ۱۶ دیماه ۵۷ در مطبوعات انتشار یافت، کارگران مبارز نفت مسئله سرنوشتی رژیم و استقرار حاکمیت جدید را مطرح و خواست خود را از حاکمیت آینده نیز پیش کشیدند. در بند یک این بیانیه گفته میشد، که "کارگران صنعت نفت جز" طبقه کارگر ایران بوده و بزرگترین قشرهای پیشرو در مبارزه با استبداد و استعمار میباشد. در بند ۵ بیانیه خاطر نشان میشد که "با توجه به سهم تعیین کننده کارگسیران مخصوصاً کارگران صنعت نفت در جنبش ضد استبداد، حکومت آئینده موظف به در نظر گرفتن منافع طبقه کارگر می باشد."

در نشریه سند یکای مشترک کارکنان صنعت نفت ایران (دیماه ۵۷) هدف از اعتصاب کارکنان نفت چنین تشریح شده بود: "ما اعتصاب کردیم تا بار دیگر در صفوف ملت مبارز ایسران استبداد را بران سازیم و نفوذ بیگانه را در وطن قطع کنیم و ایرانی مستقل، آزاد و مشرقی و آباد بوجود آوریم. این حق مسلم و لایسزال ملت ایران است و برای احقاق آن از هیچسج فداکاری فروگذار نخواهیم کرد."

۲۵ دیماه ۵۷ کارگران کارخانجات بنسز خاور در قطعنامه ای خاطر نشان ساختند: "ما همبستگی و اتحاد عمیق خود را با کلیتسه طبقات زحمتکش جامعه در راه سرنوشتی رژیم وایسته به امپریالیسم اعلام کرده و در راه ایجاد جامعه ای آزاد و دیکراتیک که منافع زحمتکشان را تا مین کند مبارزه میکنیم. ما همبستگی خود را با کارگران پیشرو صنعت نفت، ماشینسز سازی تبریز و سایر کارخانجات اعلام کس کرده و

خواسته های آنها را خواسته های خود میدانیم." آنچه طبقه کارگر ایران را به مبارزه بسی امان علیه رژیم منحط پهلوی سوق میداد، خواست ایجاد تحول بنیادی در جامعه بسود. از این دیدگاه، پرولتاریای صنعتی مستقل از خواست روحانیت عمل میکرد و در جریسان نهضت اهداف خود را به گردانندگان سیاسی روحانیت تحمیل کرد. بهمین علت بود که در راهپیمایی عظیم روزهای تاسوعا و عاشورا خواستهای کارگران در قطعنامه به تصویب رسیده گنجانده شد.

این قطعنامه از جمله خواستار تأمین حقوق کارگران و دهقانان و امکان بهرهوری کامل آنان از محصول کار و دسترنج خویش، ریشه کن کردن هرگونه تبعیض، حقوقی و اجتماعی و استعمار انسان بوسله انسان و زورگویی ظالمانه طبقاتی و سلطه گیری اقتصادی شد.

در این قطعنامه از این و اهمیت فوق العاد های به اعتصاب کارگران داده شد، که "ضربه مهلکی بر پیکر پوسیده رژیم" وارد آورد.

در دیماه ۱۳۵۷ مهندس سربازگان، که بسبه نمایندگی از طرف روحانیت، برای مذاکره بسا کارگران اعتصابی نفت (بعنوان یک نیروی مستقل) به آبادان رفته بود، در اجتماع یکصد هزار نفری استاد یوم ورزش آن شهر اعتراف کرد و گفت: "اعتصاب کارگران نفت برای استبداد انقدر گران آمد که عکس العمل هایش شدت بیشتری پیدا کرد. اکنون سر استبداد و گلوی آن در دست شما کارگران و کارکنان نفت است و باید آنرا محکوم نگه دارید."

خود کارگران نیز طی مبارزه به نیروی لایزال خود پی بردند. کارگران نفت در مواجهه بسا خبرنگار هفته نامه "فرانسوی" "اومانیته دی مانسشر" (۲۰ سامیر ۱۹۷۸) در پاسخ به سؤال در باره دوران بعد از انقلاب و نقش طبقه کارگسیر صریحاً گفتند: "ما می دانیم که اعتصاب ما عا مسل قطعی است. ما اقتصاد کشور را در دست داریم"

در این مورد آنچه کارگران مجتمع ذوب آهنسز اصفهان در ۲۱ دیماه ۵۷ خطاب به وزیرسز دادگستری بختیار، نخست وزیر منتخب واشنگتن، در رسانه های گریهی انتشار دادند جلب نظر می کند. کارگران در این نامه سرگشاده نوشتند: "آقای وزیر ماکشته دادیم تا شما بقدرت رسیدید و میتوانیم باز هم کشته بدیم تا شما از قدرت ساقط شوید. ما مبارزهای را که شما در پیشست دیوارهای خانان آرزو می کردید، به خیابانها کشاندیم و با خون جوانان و حتی کودکان خود در کوچه و بازار و خیابان شعار استقلال، آزادی سردادیم."

حقایقی که ما خاطر نشان ساختیم پامسز دنداشکنی است، به مبلغین د و جریان فوق الذکر. ارزیابی از نقش طبقه کارگر، تنها بسک ارزیابی تاریخی و اصولی نیست. رشد سرمایه داری بویژه در سه دهه اخیر که با افزایش کمی پرولتاریا همراه بوده، سیمای جامعه و آرایش بقیه در صفحه ۶

جنبه‌های مختلف خلق

بالیست‌ها با استفاده از تشمت و تفرقه در میان گروه‌ها و نیروهای سیاسی و پراکنگی صفوف مبارزان خلق قادر به اجراء نقشه‌های پلید و تحقق اهداف ضد انقلابی خود خواهند گشت. مرتجعین، استثمارگران و امپریالیست‌ها بسا آگاهی کامل از قدرت شگراف و نقش تعیین کننده و جدت خلق، که در وحدت سیاسی سازمان‌های انقلابی تجلی میابد به تمام وسایل و طرق ممکنه متوسل میشوند تا از تماس نزدیک، تفاهت و هماهنگی احزاب، سازمان‌ها و نیروهای انقلابی و د مکرانیک و ضد امپریالیستی مانع بعمل آورند. آنها نیک آگاهند که بدون تأمین یکپارچگی صغیف خلق و بدون وحدت عمل سازمان‌های سیاسی، مبارزات سیاسی، اقتصادی و اجتماعی توده‌های زحمتکش مینماید ما شمر مطلوبی بسنماری نخواهد آورد. دشمن تلاش می‌ورزد تا به نحوی از انحاء روابط میان احزاب، گروه‌ها و سازمان‌های سیاسی انقلابی، د مکرانیک و ضد امپریالیستی را تیره سازد و از یگانگی و همسویی راه، نسوان و قدرت انقلابی آنها جلوگیری بعمل آورد. شیوه ایجاد و تشدید تفرقه و تشمت میان خلق و سازمان‌ها و گروه‌های سیاسی روش همیشگی استرجاع بوده و هست.

حزب توده ایران در تمام طول تاریخ مبارزات خویش به مقابله با این تفرقه امپریالیسم و ایادی داخلی آن برخاسته و تمام مساعی خود را در امر تأمین وحدت جنبش بمطابق یگانه ضامن پیروزی خلق بکار بسته است.

حزب توده ایران در شرایط کنونی نیز بنا بر احساس مسئولیت خطیر تاریخی در قبال

سرنوشت انقلاب و زحمتکشان جامعه به موضوع تأمین وحدت و یکپارچگی صفوف خلق از طریق تأمین وحدت عمل مشترک میان سازمان‌ها و گروه‌ها و نیروهای انقلابی، خلقی، آزاد یخواه و ضد امپریالیستی اهمیت خاصی داده و مود هد بر این اساس است که هیچکدامین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران به امر وحدت نیروهای انقلابی توجه ویژه‌ای مبدول داشت و ضرورت نقش و چگونگی تحقق آنرا روشن ساخت. حزب ما اعتقاد دارد که در شرایطی که انقلاب بزرگ مردم ایران در اثر خیانت سردمداران جمهوری متوقف مانده است رسالتی بسنزرگتر از وحدت سیاسی سازمان‌های انقلابی بمنظور تأمین یکپارچگی صفوف خلق و هدایت صحیح مبارزات آنها، بمطابق یگانه ضامن نجات انقلاب متوجه سازمان‌های سیاسی انقلابی وجود ندارد. پلنوم هیچکدام کمیته مرکزی حزب توده ایران بعد از خاطر نشان ساختن ضرورت وحدت سازمان‌های سیاسی انقلابی راه حل مشخص منطقی، اصولی و عملی را نشان داده است:

"پلنوم بر آنست که وجود اختلاف بین نیروهای انقلابی، د مکرانیک و ضد امپریالیستی در عرصه ایدئولوژیک و نیز پیرامون چگونگی تدوین انقلاب و هدفتی در وتر جامعه امریست طبیعی آنچه حائز اهمیت است وجود نکات مشترک پیرامون هدف عده مبارزه در مرحله کنونی میان حزب ما و دیگر جریان‌های سیاسی انقلابی، د مکرانیک و ضد امپریالیستی است که شرایط عینی بسرای مذاکره و یافتن زبان مشترک در باره برنامه و مشی سیاسی را بوجود می‌آورد."

هیچکدامین پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران بر پایه همین اعتقاد و با واقع بینسی و

اصولیت علمی برنامه پیشنهادی خود را در زمینه حقوق و آزادی‌های سیاسی، فردی و اجتماعی، سیاست خارجی، اقتصادی، بهبود زندگی و فرهنگ و آموزش و پرورش بعنوان زمینه‌های بسسرای برنامه مشترک جنبه متحد خلق مطرح ساخته و آمادگی خود را برای بررسی و مطالعه هرگونه پیشنهاد مشابه از جانب دیگر سازمان‌ها، جریان‌ها و نیروهای ملی، مترقی و ضد امپریالیستی اعلام داشته است.

حزب توده ایران با آگاهی کامل از شرایط حساس و بیفرنج مرحله کنونی جامعه ایران و برای جلوگیری از تسلط دوباره ستم و استثمار و اسارت امپریالیسم و بمنظور تسامین استقلال، پیشرفت و عدالت اجتماعی از تمام سازمان‌ها، جریان‌ها و گروه‌های سیاسی انقلابی، آزاد یخواه و ضد امپریالیستی، از همه هواداران انقلاب بنا هر گرایش فکری و مسلکی دعوت بعمل می‌آورد که در جنبه متحد خلق گرد آیند و با وحدت عمل و مبارزات پیگیر و مشترک خود، که یگانه ضامن نجات انقلاب و تنها وسیقه خشن نمودن شوخی‌ها و رنگارنگ امپریالیسم بزرگ مالکان و کسولان سرمایه‌داران و روحانیون مرتجع ضد ملی و ضد انقلابی است، درین تاریخی خود نسبت بسسه خلق و شهیدان خلق را بجا آورند. در پیغام پلنوم کمیته مرکزی حزب توده ایران به مسردم ایران آمده است: "هیچکدامین پلنوم کمیته مرکزی همه نیروهای انقلابی ملی و مترقی و ضد امپریالیستی را برای مبارزه در راه ایران آزاد، آباد، آزاد، مستقل، صلح و ستم، مترقی و د مکرانیک برای غنیمت گذشتن در ماسی ضد خلقی ارتجاع حاکم برای ایجاد شرایط مساعد یک تحول مثبت بسسود اکثریت محروم جامعه به اتحاد در جنبه متحد خلق دعوت می‌کند."

اعلامیه

ما از روز نخست معتقد بودیم و امروز نیز عقیده راسخ داریم، که اختلافات موجود بیسن د ولتها باید از طریق مذاکرات سیاسی حل و فصل شود. ما سفان سران ج ۱۰ تاکنون به فراخوان صلح سازمان ملل متحد، جنبش عدم تعهد، سازمان کنفرانس اسلامی، الجزایر، اتحاد شوروی و دیگر کشورهای سوسیالیستی و نیز شخصیت‌های بین‌المللی پاسخ منفی داده‌اند. و این در شرایطی است، که مبارزه علیه ادا جه جنگ روز بروز در کشور ما گسترش می‌یابد. مردم ایران خواهان صلح اند و بسر آند، که حل نظامی اختلافات بین د و کشور هسبایه امکان پذیر نیست. ترک مخاصسه و دستیابی به یک صلح عادلانه و پایدار به نفع خلقهای هر د و کشور، به نفع صلح جهانی و بریان امپریالیسم است و هر چه زود تر بایسد عملی گردد. صلح خواست عاجل توده‌های میلدونی زحمتکشان است و باید برقرار شود.

کمیته مرکزی حزب توده ایران ۱۴ خرداد ۱۳۶۳

اعتراف موسوی و ساواکی

فراماسون‌ها و ساواکی‌ها بر میگردند

که از اول انقلاب داده‌ایم، عمل کنیم"، بسدین ترتیب صریحاً اقرار می‌شود، که آقای موسوی اردبیلی و دیگر هم‌تاهایش، تنها برای تحسب و تحکیم قدرت و فریب مردم تاکنون شعار تخیالی و بی‌پشتوانه تحول مردم می‌داد‌اند. با توجه به کارنامه بس منفی سران خیانتکار رژیم جمهوری اسلامی، چه تضمینی وجود دارد، که فسردا "نمود" احیای رژیم "حوس سلطنتی را نیز بسسه مردم ندهند. حال که امروز فراماسون‌ها و ساواکی‌ها بازمی‌گردند، نباید فردا انتظار بسر گشت "نیم پهلوی" را نیز داشت؟

آری از یکسو کلان سرمایه‌داران، بزرگ مالکان فراماسون‌ها و ساواکیها و دیگر کارگزاران رژیم استثمار و استبداد بازمی‌گردند و از سوی دیگر هزاران انقلابی، ضد امپریالیستی و هواداران آزادی و عدالت اجتماعی روانه سياه چالها می‌شوند، شکنجه می‌کشند و اعدام می‌گردند.

"اینها (کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان) در سنوات انقلاب در رفته بودند، حالا برگشتند با عوض کردن لباس و تجدید آرایش". "اخیراً کسانی که فراماسون و ساواکی بوده‌اند، پیسدا شدند و آذغای اموال و ثروت‌هایشان را دارند". این آذغای ما نیست، بلکه عین اعتراف آقای موسوی اردبیلی است در حضور "امت همیشه در نماز جماعت حاضر". باید پرسید: آیا آقای موسوی اردبیلی، که بعنوان رئیس شورای عالی قضایی و رئیس دیوان کشور، که قاعدتاً می‌باید پاسدار قانون باشد، از اعتراف به این واقعیت فاجعه‌بار ذ‌راهی شرم در خود احساس نمی‌کند؟ آیا دهها هزار مردم انقلابی برای این جان باختند، که کلان سرمایه‌داران و بزرگ مالکان فراری دوباره برگردند و بار دیگر قدرت اقتصادی - سیاسی را از آن خود سازند؟

آقای موسوی اردبیلی در سخنرانی پیشگفته خود می‌افزاید: "باید به شعارها و گفته‌هایی،

شیادان بین‌المللی در کنگره "ائمه جمعه و جماعات"

روحانیون قشری و مرتجعی که در حقیقت میوه چینان انقلاب ضد سلطنتی، ضد امپریالیستی و خلیفگی ایران هستند، یکی از هدف‌های مهم خود را از همان روزهای نخست "صدور انقلاب اسلامی" معرفی کردند و اکنون مدت پنج سال است، در این راه نامقدس و بزه‌آمیز، به خیال خود به پیش می‌تازند. بدنام کردن هر چه بیشتر انقلاب، انزوای تقریباً مطلق آن در عرصه بیسن-المللی، صرف‌عده‌ها میلیون دلار برای تبلیغات پوسچ، ادامه جنگ خانمان برانداز ایران و عراق - جنگی که به بهای خون صد‌ها هزار ایسرانی و عراقی و نابودی صد‌ها شهر و دهکده، آوارگی میلیون‌ها تن و مصائب و خسارات بیشمار دیگر تمام شده است - از جمله محصولات سیاست "صدور انقلاب اسلامی" است. آخوند هوسای مرتجعی که زمام امور را در تهران بدست گرفته - اندک یک لحظه فکر نکرد، اندک انقلاب، اعسم از اسلامی و غیراسلامی، کسالت نیست که قسابل صدور باشد و یا با اذان و تکبیر و یا نماز جمعه و دعای کمال نمیتوان آن را در کشورهای دیگر انشاء داد. با اعزام هیئتهای رنگارنگ، به "بلاد کفر"، با تشکیل جلساتی که نه مستمع و نه ناظر یکدیگر را می‌فهمند، با پیش‌ترکها و پروتورهائی که فقط نفرت و کراهت ایجاد میکند و یا ریش‌کدشتن و یا ضرب و جرح وقتل‌سبیل دگراندیشان هم نمیتوان به "صدور انقلاب" ترفیق یافت. اگر آنها به راستی علاقه‌مند به انشاء افکار اسلامی بودند، بیبایست در کشور خسوسود نمونه‌ای بوجود می‌آوردند، که برای دیگران و در درجه اول برای کشورهای اسلامی جالب باشد. اول آنها در دست‌و‌ارزنده عمل کرد، اندک امروز "ائمه جمعه و جماعات" تهران است.

دیگر در راس "ائمه جمعه و جماعات" از سیاست "صدور انقلاب" به‌شما شکوه‌ای کلاش داخلی، بلکه گروهی از کلاشان بین‌المللی نیز استفاده می‌کنند. اخیراً "دومین کنگره "ائمه جمعه و جماعات" در تهران تشکیل شد و عده‌ای میهمان غالباً "جمهوری المهریه"، از جمله عده‌ای ونگرد بین‌المللی که هر روز بر سر سفره‌ای غذا می‌خورند و آب به آسیاب میزان تسازه‌ای می‌ریزند، به ایران آمدند، در بهترین هتل‌ها پذیرائی شدند، پول جیبی کلانی از صندوق تبلیغات قشریون گرفتند، نظم‌های تطلق آمیز، نفرت‌انگیز و سرتاپا دروغی ایراد کردند و به دنبال کار خودشان رفتند، تا کومه بینان دیگری را در یک نقطه دیگر در جهان بچینند و خسوسود را در اختیارشان نهند. روزنامه‌های تهران در باره این "کنگرسره" مطالب زیادی نوشتند.

سران درجه اول جمهوری اسلامی، آنها را پذیرفتند، به آنها نصایح کسب کردند. از روال این ملاقاتها و گفتگوها بخوبی آشکارساز بود که مروجین "صدور انقلاب" تا چه اندازه از مرحله برت‌اند و چکرته بازپشته دست‌کلاشان و مفتخوران بین‌المللی می‌شوند.

سیاست "صدور انقلاب" از روز نخست، یک سیاست بی‌دورنا و زین‌بخش بود و امروز آشکار شوم آن را بخوبی می‌توان دید. عده‌ای از مرتجع‌ترین سرکردگان جمهوری اسلامی اکنون سعی دارند که به این سیاست ایجاد تسازه‌ای بدهند. امروز رسماً در ایران، از استقرار یک جمهوری اسلامی، شبیه ایران، در عراق صحبت میشود. همین خواب را عده‌ای دیگر بسراسری افغانستان د مکرراتیک دیده‌اند. ارتباطات نهانی جمهوری اسلامی با مهاجرین عراقی و افغانی در ایران، به همین منظور و با همین قصد انجام میشود. بدیهی است جمهوری هوسای سلطان نشین اتحاد شوروی نیز، از نظرسر بنیادگرایان کومه فکر ایرانی پنهان نمانده است. مدتی پیش یک روزنامه ایرانی از "شخیر یادکوسه بدست لشکریان اسلام" سخن گفته بود. بحسن رضائی فرمانده سپاه پاسداران، در نطقی جنگ با عراق را مقدمه‌ای برای "آزادی کربلا و قدس" اعلام کرد. (پیام انقلاب/ ۲ بهمن ۶۱)

سید هادی خسروشاهی از حوزه علمیه قسم در "اطلاعات" (اول خرداد ۶۳) شرح مفصلی، البته با مددگیری از "المجله" چاپ لندن و روزنامه "لوموند"، بیابون سعای اسلام در "شیراز" منتشر ساخت که در آن از

"... این سخن می‌رود: ...

و اطمینان حاصل کردیم که کسانیکه با این ترهات و اباطیل درانند و به رد آنها میپردازند زندانی میکنند، شکنجه میدهند و در صورت لزوم به جرجه آتش می‌سپزند. "ائمه جمعه و جماعات" و "علمای بلاد" اعم از داخلی و خارجی، از رتبه خواران این خوان یغما هستند. سران جمهوری اسلامی، تاکنون صد‌ها میلیون در این راه انحرافی صرف کرده‌اند و هنوز ادامه میدهند. بدین ترتیب اسلام را نمیتوان صادر کرد؛ فقط میتوان آنرا بدنام کرد. بدنام کردن هم نیازی به دعوت کنگره "ائمه جمعه و جماعات" و "علمای بلاد" ندارد، زیرا این کاریست که در سرلوحه اقدامات سران جمهوری اسلامی قرار دارد و به ادامه آن مشغولند. به اقدامات اضافی نیازی نیست.

نقش طبقه کارگر...

طبقاتی را بیشتر از پیش در گگون ساخت. رشد کیفی طبقه کارگر علیرغم موانع موجود در این راه و نیز اعتصابهای گسترده کارگران و پیگیری آنان در مبارزه همه و همه نشانگر سطح عالی پیکسار چوئی انقلابی و آگاهی طبقاتی و امکانات انقلابی بسیار گسترده طبقه کارگر ایران است. کارگران با شرکت مؤثر و فراگیر خود در جنبش انقلابی و طرح خواستههای مشخص ملی رد مکرراتیک به شوت رساندند، که مؤثرترین مبارزان راه تحولات بنیادی جامعه هستند.

سیر جنبش انقلابی طبقه کارگر در ایران بار دیگر صحت این اصل لنینی را ثابت می‌کند، که طبقه کارگر در جریان مبارزه سیاسی و اقتصادی خود تنها نقش یکی از طبقات موجود در جامعه بورژوازی را ایفا نمی‌کند، بلکه مهمترین نیروی محرکه هر جنبش انقلابی اصیل در آن‌ها است. علت این امر بهمانگونه که لنین خاطر نشان می‌سازد آنستکه پرولتاریا از نظر اقتصادی بر نقطه مرکزی همه سیستم اقتصادی نظام سرمایه‌داری و بر سلسله اعصاب آن تسلط دارد. بهینین علت، طبقه کارگر نقش مهمی در سوق جنبش‌براه ملی و د مکرراتیک و در پیروزی نهائی آن به عهده دارد. نکته مهم در این میان، تشکل پیشروترین بخشهای کارگران در صفوف حزب خود - حزب توده ایران است.

از اسناد بلنوم هجدهم کمیته مرکزی حزب توده ایران

در خلاصه ادعای سرسخت خاکبوسان است. حزب ما در این حال که انترناسیونالیسم پرولتری را پایه سیاست خود قسرسار داده است، پیگیرترین و سرسخت‌ترین هدفش استقلال، حاکمیت ملی و تمامیت ارضی میهن است. خصلت انترناسیونالیستی حزب ما نه تنها ناقص میهن پرستی آن نیست، بلکه این دو دارای پیوند بالائتکی بوده و مکمل یکدیگرند. اصیل‌ترین میهن پرستی آن است که بر پایه احترام به حقوق تمام خلفها و ملت‌ها استوار باشد. برای اعضا حزب توده ایران استقلال وطن، آزادی و نجات زحمتکشسان از فقر و سیه عالیترین آرمان بوده و خواهد بود و این خصلت عالی بشری اعضا، حزب ما از خصلت انترناسیونالیستی آن نشئت میگیرد.

"مراعات اصول چهارگانه عدم تمرکز، ترجیح کیفیت بر کمیت، تلافیح کار علمی و مخفی و حفظ اسرار حزبی وظیفه فرد اعضا است." حزب توده ایران است.



فلسفه سرگذشته فرزندان توده‌ایهای دربند به مردم آزادیخواه ایران و جهان

خطاب ما به شما مردم آزاد بخواه ایران و جهان است، که به حیثیت و شرف انسانی ارج می نهید، به شما که از دیرباز خودکامگی را و به همراه آن شیوه‌های غیرانسانی ترور و اختناق فاشیستی را به مثابه اسلوب عمل دولت‌ها محکوم کرده‌اید؛ ما دست استعداد بسوی شما دراز می‌کنیم.

ما فرزندان زندانیان زنده بگور شده دولت ج ۱۰، برای روشن شدن آنچه در دغخه‌های زندان بر پدران و مادران به بند کشیده است، می‌گذرد از شما یاری می‌طلبیم، ما اعلام میداریم که پدران و مادران ما را فقط به خاطر باورهای سیاسی آنان، بخاطر پیشتی علمی، به خاطر وفاداری آنان به میادای و آرمانهای والای انقلابی به خاطر نقش برجسته‌ای که در مبارزه علیه توطئه‌های ضد انقلاب ایفا کرده‌اند، ربوده و در سلول‌های زندان زنده بگور کرده‌اند، آنان به تصدیق دولت و دشمن از بهترین کارگران و افسران، از نخبگان علم و فرهنگ و ادب و هنر معاصر میهن ما هستند که شمه کار پر مایه علمی و فکری

شان حضور خلاق نسل معاصر ایرانی را در نیمه دوم سده بیستم رقم می‌زنند.

اکنون ماهیست که از آغاز شبیخون دستگاه ترور و وحشت ج ۱۰ علیه پدران و نزدیکان ما می‌گذرد. در تمام این مدت رابطه‌های رسیده شدگان توسط شکارچیان درنده انسان‌ها یاد نه‌ای خارج قطع شده است. بیش از یکسال است که ما از سرنوشت آنان و از واقعیت آنچه در دوران حمله‌های زندان و در زیر دست جاسادان فضیلت و شرف انسانی می‌گذرد، بی‌خبریم. بین زندان و دنیای خارج دیوار چین کشیده‌اند. اجازه ملاقات به هیچکس داده نمی‌شود. تنها بطور غیر مستقیم و جسته‌گریخته گاه از زبان دست‌اندرکاران این شکنجه‌گاه‌ها خبرهای هزل انگیز شنیده می‌شود.

از بسیاری از زندانیان کوچکترین نشانی نیست. هیچ کس نمی‌داند بر سر آنها چه آمده است و خبر همان است که گاه برخی از مسئولان ج ۱۰ ما زون به گفتن آن هستند که خود نشانی است از واقعیت‌های خوف‌انگیزی که در

هشت پرده اظهارات آنها نهفته است.

ما دستگاه حاکمه ایران و دستگاه قضایی ج ۱۰ را قویاً بخاطر اعمال شیوه‌های بربر-منشانه متهم می‌کنیم و خواستار آنیم که خبرنگاران بین‌المللی بتوانند آزادانه به زندانیان دسترسی پیدا کنند.

ما در پیشگاه شما مدافعان شرف انسانی دستگاه قضایی ایران را شدیداً محکوم می‌کنیم که به علت سکوت خود در برابر این جریان‌های ددمنشانه شرک جرم شکنجه‌اند.

ما اعلام میداریم که تمام تلاش خانواده‌های قربانیان برای دیدار عزیزانشان بی نتیجه مانده است، حتی در مواردی که برخی از آنها صراحتاً خواستار دیدار عزیزان خود شده‌اند، مورد چشم‌پوشی زندانبانان واقع شده و به عنوان تأدیب چند روز یا چند هفته به زندان کشیده شده‌اند. ما فرزندان زندانیان می‌خواهیم بطور روشن در جریان سر-نوشت پدران و مادرانمان قرار گیریم. ما بنام انسانیت و عدالت از شما یاری می‌طلبیم. تنها چیزی که ما می‌خواهیم اینست که دیوار فولادین موجود بین زندانبگور شدگان دغخه‌های این و کسان آنها از میان برداشته شود و وضع آنها با حضور نمایندگان جامعه‌های پزشکی و روانپزشکی و حقوقدانان بین‌المللی مورد بررسی قرار گیرد. بنام انسانیت صدای ما را بگوش همه انسانهای شریف برسانید. فرزندان توده‌ایهای دربند

کارنامه سیاه دولت

۱۷ آبانماه ۱۳۶۰ دولت آقای موسوی بسا ۱۱۵ رای موافق زمام امور را بدست گرفت. از آن ایام بیش از ۳۰ ماه میلاد عطلکرد دولت را در این فاصله زمانی چگونه میتوان ارزیابی کرد؟ و روز بعد از آغاز کار دولت جدید، روز-نامه "اطلاعات" نتایج یک نظرخواهی را پیرامون انتظار مردم از نخست‌وزیر منتشر کرد. روزنامه نوشت، که اکثریت مباحبه شوندگان از نخست‌وزیر پایان پیروزمندانه جنگ، بکاراند احتسین واحد‌های صنعتی، از بین بردن بیکاری، ریشه کن کردن نابسامانیهای اقتصادی، دادخواهی "مستضعفین" از "مستکبرین"، امحای گرانسی و تورم، بیمه کردن تمام کارگران، روشن شدن تکلیف اصلاحات ارضی، ملی کردن بازرگانی خارجی، اجرای اصل ۴۹ قانون اساسی، قطع دست واسطه‌ها و استمرار مبارزه با آمریکا را می‌خواهند.

پس از گذشت ۳۰ ماه هیچ‌یک از اینسین خواسته‌های مردم برآورده نشده است. جنگ، نابسامانوسوز همچنان ادامه دارد. کودکان و نوجوانان را گروه-گروه به کنسرتراکه بنام جبهه جنگ روان می‌کنند. صفحات جراید خارجی پر از عکسهای کودکان ۱۷-۱۳ ساله اسپسر و کشته است و رسانه‌های گروهی ج ۱۰ بدون ذره‌ای شرم می‌نویسند که لویا این کودکان "شاد و شیرین و ذکر کویان" داوطلبانه شهید

میشوند. ۱۱ اردیبهشت ماه ۶۱ روزنامه "اطلاعات" کنسرترا دست جمعی هزاران کودک را چنین تصویر کرد و نوشت: "خرد و بزرگی و شاد و شوش، سحرگاه و صحرای مین و آنهسا مثل باغچه‌های بامدادی چین در دندمه‌های صبح آماده باز شدن و پیرشدن و برگزیدن؛ از روی مین‌ها می‌گذشتند و چشمها دیگسر نی دید و گوشها دیگر نمی‌شنید و لحظاتی بعد گرد و غبار که فرو نمی‌نشست هیچ نبود جز ارواح مطهر پیشقراولان جان فدا کرده..."

نویسنده این سطور که بوئی از انسانیت نبرده نه تنها شقاوت خود، بلکه سادسیم سران ج ۱۰ را ترسیم می‌کند. فقط آدم‌کشان حرفه‌ای می‌توانند این چنین "آرام و خوشترد" کنسرترا هزاران کودک معصوم را برشته تحریر کنند. او با قساوت فاشیستی به نوشته خود ادامه می‌دهد: "حالا گاه بچه‌ها پیش از عبور و پهای گذاشتن بر مین، پتو بر خویش می‌پیچند و می‌غلغلتند تا تکه و پاره‌های قفس (روح) چنسدان پراکنده نشوند که نتوان فراهم آورد و یا پشت جبهه انتقال داد."

چنین است سرنوشت وحشتناک دهها هزار کودک و جوان-فرزندان کارگران و دهقانان- در نظام ج ۱۰. و این فقط گوشه‌ای از عکاسبرد دولت اسلامی مهندس موسوی در ۳۰ ماه گذشته است. این جنایت هولناک هنوز هم ادامه دارد. در مورد دیگر مسائل مطروحه در نظرخواهی "اطلاعات" رشته سخن را به آقای عبدالواحد موسوی نماینده لارستان در مجلس می‌دهیم. وی در سخنرانی پیش از دستور گفت: "آیا

راست است که محکمران و گرانفروشان و سادسود-پرستان از خدا بی‌خبر با نزدیک شدن بدولت و دستگاه‌های مسئول صادرات و واردات کشور راه نزدیک رسیدن به ثروت و پایمال نمودن حقیق صرف کنندگان مستضعف را گرفته‌اند؟ آیا دولت متوجه این حقیقت هست که عسده‌های معدود، وزارت بازرگانی، اتاق بازرگانی، بنیاد مستضعفان، اتحادیه‌های مختلف صادرکنندگان بنیاد مهاجرین جنگی و چندین نهاد و سازمان اقتصادی دیگر را قبنه کرده و امروز بگونه ایست که صادر کنندگان بطور مستقیم یا غیرمستقیم کنترل و سیادت قیمت گذاری صادرات را بعدده گرفته‌است و وارد کنندگان کنترل توزیع و ستساد مبارزه با گرانفروشی را بعدده داشته‌اند؟ آیا صحت دارد که دادگاه‌های انقلاب داد-گستری با ۱۸۰ درجه چرخش مشغول بازگرداندن اموال ظانوتیان و دزدان بیت‌المال به انسان است؟ آیا راست است که فتوایها و رسامیه-داران توسط بعضی از حلام شرع‌جان تازه‌ای گرفته‌اند؟ شاهد مدعا تخلیه یک روستا بنسام "گله‌دار" در منطقه اقلید است. ۵۰۰ پس از آنکه عده‌ای از کشاورزان مقاومت نمودند انسان را محبوس کردند."

۲۱ اردیبهشت سال جاری آیت‌الله عانعی یکی از مهره‌های سرشناس رژیم در نماز جمعه قم اعتراف کرد و گفت: "ج ۱۰ به جان و مال مردم ارج می‌گذارد و انشاءالله اصل ۴۹ قانون اساسی اجرا و کار دادگاه‌های انقلاب نیسز شروع خواهد شد. و اموال غصب شده به صاحبان اصلی آنها بازگردانده خواهد شد."

بقیة در صفحه ۸

۱۱۳ میلیون پرونده برای ۵۶ میلیون انگلیسی

به خلاف جارجونجبال گوشخراش جارجیسان سرمایه داری در باره آزادی و دیکتاتوری و ولت‌های غریب هرچه بیشتر به پرونده سازی، کنترل هرچه دقیقتر زندگی اجتماعی و خصوصی شهروندان این کشورها و دیگر شیوه‌های کثیف پلیسی دست می‌یازند. بدینسان، بسیار دیگر این حقیقت به ثبوت می‌رسد، که در جامعه سرمایه داری دولت وسیله‌ایست در دست استعمارکنندگان برای سرکوب استعمارشوندگان. روزنامه انگلیسی "آپسور" چندی پیش گزارش داد، که دو سازمان دولتی مجموعاً ۱۱۳ میلیون پرونده برای ۵۶ میلیون انگلیسی درست کرده‌اند. این اطلاعات در ۳۲ سیستم کامپیوتری گرد آمده است. بنیاد "قانونی" این پرونده سازی در باره زندگی خصوصی مردم لایحه قانونی جدیدی است، که دولت در رابطه با بینه های اجتماعی به پارلمان برده است. به نوشته "آپسور"، با تصویب این لایحه اطلاعات نامبرده بدست پلیس، مأموران گسترک و کاربندان مالیاتی خواهد افتاد و آنها خواهند

ضرورت مبارزه در هر شرایط

مسلم است که سرکوب و تارومار و خشکسازانه سازمانهای انقلابی، ممنوعیت غیرقانونی احزاب و سازمانها و مطبوعات ضد امپریالیستی و آزادی-خواه، تجاوز ارگانهای سرکوبگر و اطلاعاتی و محاکم نظامی ویژه علیه حقوق و آزادیهای اجتماعی و سیاسی، سلب آزادی اجتماعات و برخورد ددمنشانه نسبت به هرگونه جریان مخالف با ارتجاع و امپریالیسم، شرایط بسیار دشواری برای فعالیت سیاسی بوجود آورده است. ولی این دشواریها هر قدر سختتر، وحشیانه و محدود کننده باشد، باز نمیتوانند طرق مبارزه را سد کنند. توسل به ترور و اختناق در مقابله با رژیمندگان راه سعادت و آزادی بحرومان، نشانه ضعف رژیم است نه قدرت آن.

توانست با دانستن نام خانوادگی شخص مورد نظر به همه اسرار زندگی خصوصی افراد، از جمله مسافرتها داخل و خارج کشور و حتی مدل تلویزیون او پی ببرند. "آپسور" با نقل نمونه ای که در آن اداره بینه اطلاعات مربوط به زنی را که مدد معاش برای کودکان می گرفت، به پلیس داده بود، یسار آور می شود، که حتی پیش از تصویب لایحه کذائی، بغداد آن هم اکنون به مقیاس وسیعی اجرا می شود. روزنامه انگلیسی در پایان می نویسد: "اطلاعات گرد آمده در باره ساکنان انگلستان در ادارات دولتی بی اندازه زیاد است. کما- میزترهای سازمان بینه های اجتماعی هر لحظه آماده است؛ اطلاعات مربوط به ۵۱ میلیون نفر را ارائه دهد. کامپیوترهای پلیس اطلاعات مربوط به ۳۲ میلیون نفر را در حافظه دارند." اینست معنای دیکتاتوری در جهان "آزاد" غرب!

کمک مالی به حزب توده ایران یک وظیفه انقلابی است

حساب بانکی ما:

Sweden
Stockholm
Sparbanken Stockholm
N: 040012650
Dr. John Takman

خوانندگان عزیز!

به این نشانی با ما مکاتبه کنید:

P. B. 49034
10028 Stockholm 49
Sweden

**NAMEH
MARDOM
No. 1**

7. JUNE 1984

Price

W. Germany	50 Pf
France	1,50 fr
Austria	4 öS
England	15 p
Italy	300 L.
USA	20 cts

شود: "جلوگیری از تصویب قانون کار و بینه های اجتماعی منطبق با خواست کارگران، رد قانون اصلاحات ارضی، معلق گذاردن قانون ملی شدن بازرگانی خارجی، بازگرداندن کارخانه های ملی شده به سرمایه داران، اعلام فروش سهام کارگاههای صاداره شده، باز پیس دادن زمینهای تقسیم شده به مالکان، گسترش همکاری همه جانبه با انحصارهای تک و چند ملیتی و چرخش بر است در سیاست خارجی، حاکمی از تحکیم روز افزون مواضع نیروهای ارتجاعی و فعال امپریالیسم در حاکمیت است." رسیداد های کشور نشان میدهد که محافل ارتجاعی و قشری بوق شد ه اند امیال ضد ملی خود را بجامعه تحمیل کنند. ولی قضاوت نهائی از آن مردم است. حکم نهائی راتوده های میلیونی زحمتکشان صادر خواهند کرد.

"در شرایط کنونی وظیفه اعضای حزب، تشخیص درست خواستها و مطالبات توده های زحمتکش کارگران، دهقانان و شرکت فعال در مبارزه روزمره برای تشکیل و بهبود شرایط کار و زندگی آنانست. بذرهایی که ما امروز در میان توده ها پخش میکنیم، فردا به نیروی مادی عظیمی مبدل خواهد شد و در پیشبرد اهداف انقلاب و تدایم آن یاری خواهد داد."

از اسناد پلنوم هیجد هم
کمیته مرکزی حزب توده ایران

کارنامه...

منظور آقای مینعی از مردم صاحبان ثروت و سرمایه داران بزرگ نزاری هستند، که رژیم در صد د بازیس دادن اموال صادره شده آنان است. مردم واقعی به معنای زحمتکشان گروه-گروه به سياهچالها و یا کشتارگاههای بنام جنگ روانه میشوند. و اما تعاون زراعی وزارت کشاورزی در گفت و گو با "اطلاعات" ضمن بحث پیرامون اصلاحات ارضی بی پرده اظهار داشت: "من فکرنیکم مسئله مالکیت به این زودبها حل شود." (اطلاعات ۲۲ اردیبهشت ۶۳). ۳۰ ماه پیش مردم خواهان پایان دادن به تورم لجام گسیخته و گرانی بودند. امروز گرانی پیدا میکند و ارزش افزوده خدمات، بیش از ۱۳۰ میلیارد تومان برآورد میشود. سی ماه پیش مردم خواهان بینه همگانی کارگران بودند ولی امروز نه تنها از بینه های اجتماعی همگانی خبری نیست، بلکه قانون ضد کارگری جدیدی را به کارگران تحمیل می کنند. سی ماه پیش مردم استعمار مبارزه با امپریالیسم آمریکا را طلب می کردند، ولی آقای هاشمی رفسنجانی در خطبه های نماز جمعه از امپریالیسم آمریکا می خواهد تا از جمهوری اسلامی حمایت کند و در مسدح و شای ناتو داد سخن میدهد. بیان کاری سی ماهه دولت صحت ارزیابی پلنوم هیجد هم کمیته مرکزی حزب توده ایران را به ثبوت میرساند. در اسناد پلنوم گفته می-

مردم آزاد میخواهید ایران! برای نجات جان زنده بگوران سلول های زندان اوین و دیگر زندانها، صدای اعتراض خود را بلند کنید!